

گروه‌های اجتماعی و نقش آنها در گردشگری

گردشگری می‌باشد.

خانه آنها می‌تواند تبدیل به مرکز میزبانی از گردشگران شود. و درآمد بسیار برای آنها فراهم سازد.

۴- مکان‌های تاریخی و آیینی: هرچه مکان‌های تاریخی بیشتر بتوانند آیین‌های سنتی و نمایشی خود را فعال کنند جاذبه بیشتری برای گردشگران فراهم خواهند نمود. پیوند اندیشمندان محققین تاریخی بومی هر منطقه با این مکان‌های تاریخی و استفاده از نیروهای محلی می‌تواند موجب ظهور اشتغال ثانویه و درآمدهای خوب برای اقشار محلی شود.

۵- نظام‌های ارتباطی، اطلاعاتی و فرهنگی: نیروهای فرهنگی و ارتباطی-اطلاعاتی نیروهای مهم برای ایجاد پیوند میان گردشگران با مراکز میزبانی آنها می‌باشند. بدون این نیروها نمی‌توان اشکال منظم و پایدار ارتباطی را شکل داد.

۶- سرانجام نظام قانون‌گذاری و قوه قضائیه: دو نظام قانون‌گذار و قضاوت نقشی بنیادین در شکل‌گیری و شکل‌دهی نظم مولد به ویژه در حیطه ارتباطات و مبادلات در این شاخه دارند. به علاوه این آنها هستند که با انتخاب روش اولویت‌ها زمینه را برای ایجاد بستری قانونی فعال برای توسعه ارتباطات و مبادلات فراهم می‌سازند. اگر آنها نتوانند نقش درست خود را بازی کنند، بی‌گمان بقیه نقش‌ها ابر خواهد ماند.

در این میان لازم است این نتیجه نهایی را نیز متذکر شویم که گردشگری دارای سه مرحله تکاملی است و ورود به هر مرحله تنها می‌تواند بخشی از منابع گردشگری را جذب کند. هرچه بیشتر به پارادوکس صیانت از داشته‌ها از یکسو و افزایش توان ارتباطی از سوی دیگر توجه کنیم بر قدرت ما در گزار از این سه مرحله افزوده خواهد شد. اینان عبارتند از:

۱- مرحله ارضاء نیازهای اولیه.

۲- مرحله تحریک خواسته‌های میهمانان با توجه به منابع میزبان.

۳- مرحله استفاده از توقعات میهمانان با توجه به منابع او.

آنچه که به ویژه در این سه مرحله تجربه کرده‌ایم نشان می‌دهد که مشکل‌ترین بخش فعالیت توسعه در گردشگری در کشورمان مربوط به مرحله سوم می‌باشد. در این مورد لازم است به این نکته مهم توجه داشته باشیم که هرچه بر نقش مردم به عنوان میزبان بیافزاییم گذار از مرحله سوم آسان‌تر خواهد شد.

سردبیر

اگر محدوده گردشگری را فضایی از ارتباط میان میهمان و میزبان بدانیم، آنگاه این پرسش مطرح می‌شود که نقش گروه‌های مختلف اجتماعی در تحقق و توسعه گردشگری کشور چگونه باید باشد؟

تا پیش از انقلاب گروه اصلی و مهم یعنی مردم تنها گروهی بودند که در میزبانی و اداره امور گردشگری نقشی نداشتند، فقدان این نقش مهم، به ویژه با توجه به اقتصاد سیاسی نفتی موجب بسط و رشد بوروکراسی دولتی و نفوذ بیش از اندازه‌اش در این میدان شد. از هتل شاه عباسی اصفهان تا دیگر میهمان سراهای ریز و درشت، توسط نهادهای دولتی و نیمه دولتی تدارک اداره می‌شد. راستش را بخواهید همین فقدان حضور مردم به عنوان میزبان در روابط با جهان خارج بود که موجب ظهور هزاران نوع شایعه، تحقیرشدگی و ظهور مقاومت در مقابل توسعه در گردشگری شد.

از بعد از انقلاب این توقع را داشتیم که وضع تغییر کند. به ویژه نقش مردم در میزبانی گردشگران بطور جدی دنبال شود. اما نه تنها چنین نشد، بلکه همان تقسیم نقشی که وجود داشت نیز از بین رفت و با افت گردشگری طبعاً جریان تخریب و نابودی آثار ملی آغاز شد. علت هرچه بود، امروزه دیگر معلوم شده است که بدون ظهور و رشد نقش مردم در میزبانی از گردشگران به ویژه باتوجه به فرهنگ مان هیچ توسعه و رشدی در گردشگری اتفاق نخواهد افتاد.

به طور کلی منابع اصلی و مهم رشد گردشگری کشور عبارتند از:

۱- دولت‌ها از آن رو که ثروتمندترین نهاد اقتصادی کشوراند. صاحب دلارهای نفتی‌اند و می‌توانند منابع مالی لازم را برای برنامه‌های توسعه گردشگری را تامین کنند و در اختیار گروه‌های خصوصی دارای سرمایه گذارند. اگر دولت‌ها نتوانند اولویت‌های اقتصادی را نسبت به سیاسی به کار بگیرند ناموفق خواهند بود. به علاوه رکن مهم دیگر گردشگری یعنی مدیریت امنیت کامل و چند وجهی نیز در عهده دولت‌ها است.

۲- سرمایه‌گذاران بزرگ: این گروه می‌توانند پروژه‌های کلان و چند منظوره گردشگری را دنبال کنند. اینان می‌توانند در پیوند با قشر متوسط نیز فعال شوند.

۳- قشر متوسط شهری کشور: این قشر مالک بافت‌های بنیادین شهرهای قدیمی ما هستند این قشر نه تنها می‌تواند داشته خود که همان خانه و محل کسب‌شان است را برای ظهور نقش میزبانی خود به کارگیرند، بلکه با نیروی کار و با این هدف خود و اهل خانواده‌اش را نیز تامین می‌نمایند. خواسته‌های این قشر آموزش و تامین نیازهای مالی به منظور آماده‌سازی مکان‌شان برای